

گفت و گو با بازپرس جوان پرو

# از داعشی‌های فریب‌نا



**بازپرس وحید ناصری، با گذشت بیش از هفت سال کار قضاوت به پرونده‌های مهمی از جمله جنایت‌های خانوادگی و هولناک، پرونده تملو و گروه تروریستی داعشی و... رسیدگی کرده‌است. پرونده‌هایی که در زمان خود مهم و گاهی جنجالی بوده‌است. به همین خاطر رودرویی این قاضی جوان دادسرای تهران نشستیم و او از نحوه ورودش به دستگاه قضا و خاطرات این سال‌ها گفت که در ادامه می‌خوانید.**

✚ از خودتان بگویید؟

۴۱ ساله‌ام. زمان جنگ ایران و عراق و موقع موشک باران در یکی از محله‌های جنوبی تهران به دنیا آمدم و بزرگ شدم. سال ۸۱ ازدواج کردم و ثمره زندگی مشترک‌مان چهار فرزند است. در نوجوانی دوست داشتم مهندس شوم اما شرایط به‌گونه‌ای دیگر رقم خورد. شرایط زندگی‌ام در یک مقطعی باعث شد که نتوانم دانشگاه را ادامه بدهم و نزد یک تراشکار رفته و آنجا کار می‌کردم، چون پسر درسخوانی بودم تصمیم گرفتم که به درس ادامه بدهم. اهل مسجد بودم و همین باعث شد که به حوزه علمیه بروم. یک سال در حوزه علمیه تهران درس خواندم، چند سالی به جنوب کشور و چند سال هم در شهر قم درس طلبگی خواندم. خانواده‌ام دوست داشتند من قاضی شوم. تا سطح چهار حوزه را خواندم. به خاطر علاقه به روان‌شناسی در این رشته تا مقطع کارشناسی درس خواندم. در نهایت هم سراغ رشته حقوق رفته و در حال نوشتن رساله‌ام در رشته حقوق هستم.

✚ چطور وارد حرفه قضاوت شدید؟

سال ۹۳ به مدت ۱۸ ماه دوره کارآموزی را گذراندم که توأم با گذراندن دروس تئوری در این رابطه بود. سال ۹۵ در تهران به‌طور رسمی حرفه قضاوت را شروع کردم. ابتدا به‌عنوان دادیار در دادسرای ناحیه ۱۴ تهران مشغول به کار شدم. بعد رفتم دادسرای دیگری که بخش ویژه رسیدگی به جرائم چک بود. آن زمان برنامه‌ای درباره قوانین چک در شبکه یک تلویزیون پخش می‌شد که به‌عنوان کارشناس در مباحث قضایی آن برنامه حضور داشتم. در ادامه در دادسراهای مختلف از جمله دادسرای جنایی و امنیت حضور داشتم.

✚ مهریه همسران چقدر است؟

۱۱۴ سکه بود. علاوه بر آن چون همسر جنوبی بود در طایفه‌شان رسم است که عروس خانم در کنار مهریه باید دو چمدان قند هم از داماد دریافت کند. این شرط را هم قبول کردم. یک روز رفتم بازار و دو چمدان پر از کله قند خریدم و به خانم رفتم و آن را به‌عنوان بخشی از مهریه به همسرم دادم که او قبول کرد. بعد از آن همسرم به خاطر علاقه‌ای که به من و به زندگی‌مان داشت مهریه ۱۱۴ سکه‌ای را به من حلال کرد.

✚ تلخ و شیرین‌ترین پرونده‌ای که به آن رسیدگی کردید؟

شاید تلخ‌ترین پرونده‌ای که به آن رسیدگی کردم پرونده دختری ۲۲ ساله بود که با همدستی برادر معلولش نقشه قتل پدرشان را در جریان اختلاف خانوادگی اجرا کرد. شالوده زندگی آنها با این اقدام از بین رفته بود. این دختر دو ماه نقشه قتل پدرش را طراحی کرده و حتی در هشت صفحه در دفترچه یادداشت خود شیوه آن را از ابتدا تا انتها نوشته بود و با داستان‌های خیالی سعی کرده بود که پرونده را به سمت و سوی امنیتی شدن پیش ببرد که خدا خواست و او موفق نشد و وقتی مقابل ادله‌های قضایی قرار گرفت اعتراف کرد و راز این قتل بعد از ۱۳ ساعت فاش شد.



✚ صحنه‌های قتل تأثیری در روحیه شما نداشت؟

خوب گاهی در روحیه انسان تأثیرگذار است، چون در صحنه‌های مرگ افرادی می‌رفتیم که گاهی سر از بدن جدا شده بود یا جسد مثله شده و گاهی به آتش کشیده شده بود. بازپرس‌های قتل ۲۴ ساعته کشیک هستند و این شرایط سخت است. به‌درستی نمی‌توانی بخوابی، هر زمان ممکن بود تلفن کشیک به صدا در بیاید که باید پاسخ دهی. این اتفاقات فرد را از نظر روحی کمی خسته می‌کند اما تجربه‌های خوبی به آدم می‌دهد که توأم با صبر و آرامش است. هرچند تا مدتی خاطرات برخی قتل‌ها که بسیار دردناک هستند در ذهن مان می‌ماند.

✚ اهل کارکردن در خانه هستید؟

درست است که زمان کاری‌مان به‌عنوان بازپرس طولانی است اما اگر فرصتی دست دهد، در کارهای خانه کمک می‌کنم. فقط ظرف شستن را دوست ندارم.

✚ قاضی جهادی یعنی چه؟

قاضی‌ای که علاوه بر این‌که به پرونده‌های شعبه خودش به‌خوبی رسیدگی می‌کند به‌عنوان کمک به قضات شعبه دیگر هم که ازدیاد پرونده دارند، کمک کند. خودم جزو همین قضات جهادی بودم. وقتی دادرسی علی‌البدل در دادسرای ارشاد بودم علاوه بر این‌که به پرونده‌های شعبه خودم رسیدگی می‌کردم از بعدازظهر تا ۱۰ شب به قضات شعبه دیگر کمک می‌کردم. یاد می‌آید در یک پرونده‌ای مربوط به سال ۹۸، یک خانم جوانی در مجالس و مدارس می‌رفت و برنامه اجرا می‌کرد که آن بار به مدرسه پسرانه‌ای رفته بود. بعد از مراسم، دانش‌آموزان از او خواسته بودند ترانه یک خواننده ایرانی مقیم آمریکا را همخوانی کنند که او نیز با آنها همخوانی کرده بود تا دل بچه‌ها نشکند. فیلمی از این همخوانی منتشر شده و این خانم را به دردسر انداخته بود. از او تحقیق کردیم که معلوم شد سوءنیتی نداشته است. او پشیمان بود و حتی توبه‌نامه هم نوشته بود. وقتی متوجه شدیم او توبه‌نامه نوشته و برای اولین بار این اتفاق برایش رخ داده، توبه‌نامه‌اش را قبول کردیم و مجازاتی برایش در نظر نگرفتیم و از مجازات‌ها رها شد.

✚ تا به حال خودتان قربانی جرم شده‌اید؟

نه.

✚ یکی از پرونده‌هایی که در دادسرای امنیت به آن رسیدگی کردید، دستگیرشدگان گروه تروریستی داعش بودند، باتوجه به این تجربه درباره تفکرات آن توضیح می‌دهید؟

یکی از پرونده‌های گروه تروریستی داعش که رسیدگی کردم مربوط به پرونده ۱۶ زن و دختر جوان بودند که گرفتار داعش و عضو آن شده بودند. این افراد ۱۸ تا ۲۲ ساله بودند. آنها از مقر داعش گریخته و خود را به گروه حشدالشعبی تسلیم کرده و بعد تحویل ایران شده بودند. آن موقع من دادیار ناظر زندان اوین بودم که به پرونده آنها رسیدگی کردم. وقتی با آنها حرف زدم متوجه شدم که بیشتر این افراد فریب خورده بودند. شوهران‌شان به بهانه مسافرت آنها را از ایران به سوریه و عراق برده بودند. این زنان بعد از مدتی متوجه شدند که شوهران‌شان به آنها دروغ گفته‌اند و دیگر اجازه بازگشت به کشور را نداشتند. دائم در فضای وحشت و ترس از مرگ زندگی می‌کردند. وقتی شوهران‌شان در جنگ کشته می‌شدند برای ادامه زندگی مجبور بودند با افراد داعشی دیگر ازدواج کنند. گاهی برخی از زنان حتی چهار بار ازدواج کرده بودند. آنها ماهانه ۱۰۰ دلار دریافت می‌کردند که باید زندگی‌شان را با آن مقدار پول تامین می‌کردند؛ بعضی از آنها از مواضع خود کوتاه نمی‌آمدند و همچنان طرفدار این گروه بودند.

✚ تا به حال دل‌تان برای قاتلی در پرونده قتل سوخته‌است؟

بله. یک پرونده‌ای که مربوط به سال گذشته بود. مردی جوان اختلاف خانوادگی شدیدی با همسرش پیدا کرده و شرایط زندگی‌شان طوری نبود که بتواند از همسرش جدا شود. از طرفی علاقه و وابستگی زیادی به او داشت. این درگیری و اختلاف‌ها آن قدر بالاگرفت که مرد جوان نتوانست برخشم خود غلبه کند و همسرش را در مشهد خفه کرد. جسد او را مثله کرده و داخل چمدان گذاشته و به تهران سفر کرده بود. در تهران به خاطر عذاب وجدان به مقر پلیس رفت و اعتراف کرد زنش را کشته و جسد او نیز در چمدان است. شرایط زندگی او باعث شد دلم به حال او و زندگی‌اش بسوزد.